

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَحَبِيبِنَا وَطَبِيبِنَا
الَّذِي بُعِثَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ، وَبَشِيرًا لِّلْمُذْنِبِينَ

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَنْجَبِينَ ، لَا سِيَّما
الْإِمَامَ الْمُنتَظَرَ ، وَالْوَلِيَّ الْمُنتَقِمَ

عَلَيْهِ السَّلَامُ
الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ

وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ الْآنَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

آمِينَ آمِينَ آمِينَ

بسم الله الرحمن الرحيم

نوروز در آئینه فطرت و از نگاه شریعت ، آن روز مبارکی است که محبت و انسانیت در آن متبلور و جهان خلقت ردای عشق بر تن نموده و همگان بر گرد حریم کبریایی و کعبه بهاری امام عطوفت و مهربانی موعود امم طواف و با نفس هایش که هر لحظه برای بشریت احسن الحال را به ارمغان می آورد زندگی کنند .

فرا رسیدن نوروز و بهار طبیعت ، فرصت مناسبی برای فطرت های پاک است که تازگی و آزادگی را پاس داشته و برای در امان ماندن از اهرمن و آفات روزگار ، طلوع خورشید محبت ، حقیقت و بهار خلقت یعنی امام زمان علیه السلام را از خدای متعال تمنا نموده و با زمزمه زیارت آل یاسین بر سر سفره های نوروزی، خود را در حصن حصینش قرار داده و سال را با « سلام الله الكامل التام... » آغاز نمایند .

نوروز امسال و ترنم بهاری اش با اشک های آسمان در مصیبت شهادت جانگداز امیرالمؤمنین علیه السلام و وفات غمبار ام المؤمنین خدیجه کبری علیه السلام توأم شده است . با حفظ حریم این روزها ، سال نوی هر کسی در شب هایی که تقدیرها رقم می خورد ، ختم به خوبی ها می گردد و چشمه کوثری که در باطن لیلۃ القدر نهفته است به جوش و خروش در آمده تا به نیمه نگاه مادرانه اش جرعه نوش وادی مودت گشته و مس وجود محبان را به طلای ناب مبدل سازند .

در سالی که بهارش با اشک های امام زمان ارواحناده در شهادت اول مظلوم عالم شروع می شود و روزهای بی مادری عصمت الله الکبری فاطمه زهرا علیها السلام رقم می خورد، شیعه وظائفی از جنس ادب دارد .

می بایست حرمت نگه داشت آن روزها و شب هایی را که زمین و آسمان عزادار پدر امت ، شاه ولایت ، امام عترت ، اسدالله الغالب علی بن ابی طالب علیه السلام است و همگان را به سمت و سوی حصن حصینش خواند و با پوشیدن لباس سیاه ، احرامی از جنس مودّت و دلدادگی ، سال خود و فرزندان خویشان را بیمه نموده تا شامل دعای مادر مظلومه ای شود که جان خود را فدای ولایت کرد .

شیعه امیرالمؤمنین علیه السلام می بایست نوروز امسال را علوی و در نهایت ادب به ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام برگزار کنند... ؛ نقل و نبات محافل اوّل سالشان از مولا علی و ختم دیدارهای نوروزی شان ، قرائت نادعلی باشد . همه می بایست امیرالمؤمنین را واسطه قرار دهیم تا بهار دل ها بیاید و نوروز حقیقی را درک نماییم .

به حقیقت می بایست بدانیم که این روزها روزگار غمبار یتیمی شیعه است که به تلخی رقم می خورد . داغ فراق موعود و غربت و تنهایی ولایت ... غم اسارت دین و مظلومیت عترت !.

امیرالمؤمنین ارواحناده بزرگترین مظلوم تاریخ بشریت است که حتی در میان مدعیان محبتش نیز غریب تر از او نخواهی یافت . او تنهاست چرا که دنیا ظرفیت درک آن حجت الله علی الخلق را ندارد .

شیعه وظیفه دارد در نوروز امسال ، نسبت به عزای شهادت مقام شامخ ولایت و نشر فضائل بی بدیلش میثم تمار باشد نه ناشر اغیار! او تنها راه نجات و پناهگاه امت و تنها دلیل بقای انسانیت و تکمیل رسالت و نبوت می باشد .

خوشا دلدادگان وادی عترت، قلم بدستان با اخلاصی که نوروز امسال با لشکر کلمات ، سینه خود را سپر بلای شهید ۲۱ ماه رمضان می کنند . خوشا بر عاشقان کوی محبت که بر حرمت نگاه داشتن ایام ماتم علی مرتضی و خدیجه کبری تأکید و آن را به همگان می رسانند و آشکارا از ولایت و برائت سخن می گویند و با جوهره ای از غیرت و معرفت ، دل های تفتیده عصر غیبت را به چشمه زلال فطرت سوق داده و از باده ولوی و علوی سیرابشان می کنند .

بهار خود غمین شهادت حقیقت بهاری دیگر است ... ، شکوفه های بهاری نیز مانند برگ های زرد خزان، خود را به پای قدم های مبارک مولا در مسیر مسجد کوفه می اندازند تا نگذارند خورشید به مسلخ خون برسد! ... آسمان بر ماتم امیر عوالم خلقت اشک غم می ریزد که خورشیدی به خون سرش خسوف گشت .

روزهای اول سال ، هوای دل ها بارانی است و اشک از چشمان بهار جان ها ، امام خوبی ها جاری و ما شیعه نه ، محب مولا هستیم و در غم شهادت اول مظلوم عالم همه را به خیمه ادب و وقار و ولایتش جمع می کنیم .

اگر چه بهار است ولی آنکه دل در گرو ثقلین دارد ، حرمت نگه می دارد چرا که بهار اگر طراوتی دارد ، از شمیم کوی هل اتی است و باران نیز اگر آرامشی دارد از ترنم اشک های نیمه شب لیلة القدر مولا ، فاطمه زهرا علیها السلام است .

اگر چه نوروز است ولی داغ شهادت فاروق اعظم آتش به جان ها می زند و غم وفات مادر ام اییها تپش های قلب فاطمیون را به شماره می اندازد .

امسال نداریم عید ! قرآن ناطق را شهید کردند ... غربت حسن علیه السلام بیش و حسادت فتنه گر جمل را پیش تر می بینیم ...؛ چشم های سیدالشهدا را سرخ و کمر زینب کبری را شکسته تر از شهادت مادر می نگریم ! ، حرمتشان را نگه نداشتند ، ما حرمت نگه داریم ! فرق کعبه را بشکستند ما بر آن مرهم نهیم .

امسال نداریم عید چون فاطمه گریان است
از داغ غم مادر ، آزرده و نالان است
امسال نداریم عید، قرآن شده غرق خون

در موسم نوروزی، زینب چه پریشان است
مولای من ! نباشم روز و نوروزی که ندای غربت را بشنوم و سکوت
کنم ... ! هنوز هم که هنوز است پس از هزار و چهارصد و اندی سال
نفس هایم به شماره می افتد وقتی به یاد می آورم که چگونه تو را که قرآن
ناطق بودی خانه نشین و جهل و نفاق را بر نیزه تاریخ کردند .

ای جان جانان ! ای روح ریحان ! نوروز امسال به تو می اندیشیم و بر
حرمت غربت می ایستیم .

تا جان در بدن داریم از غربت و مظلومیت دفاع خواهیم کرد ... و این بیعت و صدای تپش های قلب همه یتیمان شیعه است .

ای پدر غریبان و بی کسان ! برای فرزندان خود دعا کن . غبار اندوه شهادت و مظلومیت را هیچ باران بهاری نمی تواند بشوید ، جز نمی از ترنم باران ظهور ! کاش بیاید تا دین و آیین چنین در حصار ظلم و جهل ، مظلوم نماند .
مولای من ! آن زمان که مادر مجروحۀ ما به استقبال آمد ، سلام ما را به ایشان برسانید و بگویید منتظر گوشۀ چشم مادرانۀ شان هستیم . برای ظهور مهدی ات دعا کن .

محمد امیری سوادکوهی



اشعار

به باغ ، اشک ز چشم شکوفه می ریزد
برای خون علی که به کوفه می ریزد
(حسن زاده)

عید است و بهر غمزدگان روز عید نیست
ما را به سر هوای گل و پای بید نیست
غم بسته راه شادی ما را ز هر طرف
دیگر برای قفل غم ما کلید نیست
(خسرو)

بین با چشم دل ، در عرش غوغاست
از این غم چشم آل الله دریاست
اگر عید است ، اما داغداریم
شروع سال نو سوگ مولا است
(محسن درویش)

با اینکه زمان قصد شکفتن دارد
با اینکه زمین نگاه روشن دارد
امسال لباس سوگواری نوروز
در ماتم بوتراب بر تن دارد
(درویش)

هستیم به هر شادی و غم با حیدر
گوئیم به هر نفس فقط : یا حیدر
حاشا که دلی شاد شود از این عید
داریم به سینه غم مولی حیدر
(رفیعی وردنجانی)

ما را همه دم وردِ زبان یا علی است
هم شادیمان هم غممان با علی است
عید است ولی نیست به دلها شادی
دلهایِ همه در غم مولا علی است
(رفیعی وردنجانی)

او رفت و قرارِ عالم هستی رفت
خون بر دل زارِ عالم هستی رفت
نوروز بهار تازه آرد ز کجا؟
او بود بهارِ عالم هستی ، رفت
(رفیعی وردنجانی)

نوروز که از گذشته تا امروز است
امسال مصادف غمی جانسوز است
شادی مکن ای بهار از این غم ، زیرا
نوروز به حرمت علی نوروز است
عباس شاه زیدی (خروش اصفهانی)

ای عید بدان جهان گرفتار علی ست
این کهنه و نو شدن فقط کار علی ست
از سرخیِ چشم غنچه ها فهمیدم
امسال بهار هم عزادار علی ست
(خروش)

چون ریخت به پای مصطفی بود و نبود
از ما به خدیجه باد تا حشر درود
امسال دل و دماغ شادی هم نیست
عید است و عزای مادرِ یاس کبود
(خروش)

جانسوز گریست ابر ، جانسوز گریست
هم شب به عزانشت ، و هم روز گریست
روز دهم ماه مبارک ، امسال
حتی ز غم خدیجه نوروز گریست
(خروش)

اینبار بهار در دلش غم دارد
در دیده‌ی خود ، چشمه‌ی زمزم دارد
در روضه‌ی حضرت خدیجه امسال
بلبل به لبش نغمه‌ی ماتم دارد
(سعید علامه)

امسال بهار با علی گل دارد
آوای غم از دهان بلبل دارد
نوروز هم امسال به عشق مولا
هر لحظه به آلِ او توسل دارد
(علامه)

بهار ، فصل عزای خدیجه کبراست
همو که همسر پیغمبر است و مادر زهراست

اگر چه دَوَم عید است ، روز رحلت او
در آسمان و عرش خدا ، بانگ آه و واویلاست
علی رضا محمدی (مسافر)

نوبهار آمد ولی همچون گلی پژمرده ایم
از غم داغ خدیجه ما همه افسرده ایم
یک به یک از خادمان درگهیم و ، باز هم
از خدیجه مادر اهل ولا شرمنده ایم
(مسافر)

گلها همه روییده اند در باغ و صحرا
شد با صفا سرتاسر هامون و دریا
اما گلی در خاکِ تیره ، سر فرو برد
آن گل بُود ، نامش خدیجه ، مام زهرا
(مسافر)

ای مؤمنین ، بانو خدیجه ، مادر ماست
او همسر پیغمبر است و مام زهراست
رفت از جهان و دیده از دنیا فرو بست
روح لطیف و پاک او در عرش اعلاست
(مسافر)

عید آمد و گریان بود چشمان زهرا
بزم عزا بر پا شده در عرش اعلا
شال عزا بر گردن صاحب زمان است
در ماتم جانسوز آن بانوی عظما
(مسافر)

غرق غم و اندوه و ماتم شد بهارم
من در عزای مام زهرا، اشکبارم
روز عزاداری امّ المؤمنین است
همراه با جن و ملک، من سوگوارم
(مسافر)

سال نو آمد ولی بزم عزای بر پا بُود
چون مصادف با وفات مادر زهرا بُود
حرمتش را حفظ کن، شادی مکن ایام عید
چون خدیجه، در برِ حق، بانوی عظمّا بُود
(مسافر)

غرق شور و ماتم است، هم آسمان و هم زمین
در عزای همسر والای ختم المرسلین
نیست جایز شادمانی کردن و بزم سرور
حرمتش را حفظ کن، او هست امّ المؤمنین
(مسافر)

ای شیعیان آمد عزای شاه مردان
چشم ملک در ماتم او گشته گریان
روز طبیعت همزمان با قتل مولا است
شادی مکن ای آنکه هستی از محبان
(مسافر)

آمده نوروز و ایام عزاست
چون وفات مادر خیر النساء
(مسافر)

آمد بهار و کون و مکان غرق در عزاست
روز وفات مونس و غمخوار مصطفاست
(مسافر)

آغاز بهار با خدیجه است امسال
آغازگر دعا خدیجه است امسال
وقتی که شروع سال ما با غم اوست
ذکر همه روز «یا خدیجه» است امسال
(محسن ناصحی)

صحرا شده سوگوار، ماتم دارد
باران شده بی قرار، ماتم دارد
نوروز، عزادار شب قدر شده است
از داغ علی بهار، ماتم دارد
(ناصر)

غم آمده در دلم، زبانم لال است
تقدیر من و شما همین امسال است
غافل ز شب قدر نمایی امسال
وقتی که علی محوّل الاحوال است
(ناصر)

سروده: شاعر دلباخته اهل البيت (علیهم السلام)

استاد محمود مرتضوی نائینی (ناظر)

بهار غم زده

عید است و شادی و غم ما توأمان شد است
 نوروز و ماه روزه کنون همزمان شد است
 فوت خدیجه ، دوّم عید است و از غمش
 اسلام غرق ناله و آه و فغان شد است
 از داغ ارتحال همان مام مؤمنین
 اشک غم از دو دیده احمد روان شد است
 از یک طرف شهادت مختار شیردل
 آن کو، به قاتل شه دین خصم جان شد است
 روز ولادت حسن آن دوّمین امام
 هست آنکه شهرت کرشم جاودان شد است
 شبهای قدر و قتل علی میر کائنات
 با جشن روز سیزدهم توأمان شد است
 مولا شهید گشته چنین روزی و حسن
 دوّم امام و راهبر شیعیان شد است
 مسجد زخون فرق علی شاه لو کشف
 تصویری از صباحت قصر جنان شد است
 محراب و مسجد زکریا ز داغ او
 حنّانه وار ناله کن و نوحه خوان شد است

هر چشم شیعه از غم مولای خود علی
ابر بهار گونه بسی دُر فشان شد است
تنها نه شیعه نوحه کنان از غم علیست
گریان ز داغ آن شه خوبان جهان شد است
ایرانیان ز داغ علی زار می زنند
یکسر سیاه پوش علی ، اصفهان شد است
فرق علی چو گشته دو تا از حسام کین
گریان و آه و ناله کنان آسمان شد است
عرش مجید گشته سیه پوش این عزا
« ناظر » بهار دهر از این غم خزان شد است

عزای زوج ختم المرسلین است
سیه پوش از غمش ارکان دین است
مصادف سالروز قتل حیدر
به عید مردم ایران زمین است
(ناظر)

اللهم عجل لوليتنا الفرج
کتاب فروع ۱۴۴۱

عَلَى